



یادداشت

طبقه‌ای شدن آموزش عالی ثمره خصوصی سازی و بی حقوق سازی است

صادق



روزنامه "جهان صنعت" که بطور خاص نقش سخنگو و مدافع بخشی از تولید کنندگان را دارد و عموماً مدافع بخش خصوصی و خصوصی سازی است در این هفته با انتشار مقاله‌ای به طبقه‌ای شدن شدید آموزش اذعان نموده است. روزنامه در این مقاله که با عنوان (نابرابری فزاینده در دانشگاه) منتشر کرد با استناد به آماری که از مصاحبه «منصور کبگانیان» یکی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی با شبکه چهارم تلویزیون مطرح شده به بررسی علل و سبب نابرابری در آموزش عالی پرداخته است

به گفته عضو شورای انقلاب فرهنگی بیشتر ورودی دانشگاه‌ها و کسانی که بهترین رده‌های کنکور را به خود اختصاص داده‌اند از میان کسانی هستند که در مدارس خصوصی و یا مدارس نمونه دولتی دیپلم خود را گرفته‌اند. عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی ظاهراً از اینکه گروه‌های "برخوردار" یا در واقع فرزندان ثروتمندان و آقازادگان در دانشگاه‌ها و آموزش عالی هم موقعیت برتر طبقه‌ای خود را حفظ کرده‌اند، ظاهراً اظهار نگرانی نموده و آمارهایی هم ارائه داده است که حرف او را تأیید می‌کنند

این اطلاعات از این قرار است؛ سهم مدارس و دهک‌های مختلف از رتبه‌های زیر ۳۰۰۰ کنکور: «دهک اول، دوم و سوم (کم‌برخوردار): ۲ درصد»، «دهک ۸، ۹ و ۱۰ (برخوردارترین): ۸۰ درصد»، «دهک اول (ضعیف‌ترین): ۲ دهم درصد»، «دهک دهم (ثروتمندترین) ۴۸ درصد»، «مدارس دولتی: ۲/۳ درصد» و «مدارس غیردولتی: ۸۰ درصد» در رشته‌های پزشکی و دندانپزشکی: «دهک اول: ۱/۳ درصد» و «دهک ۸ و ۹: ۱۰ و ۸۶ درصد» در برق شریف

روزنامه جهان صنعت اما در بررسی خود تلاش کرده است که علت سیطره و برتری فرزندان ثروتمندان در آموزش عالی را در تورم خلاصه کند و عامدانه به جهت اینکه نقش خودش را در قضیه از دید افکار عمومی پنهان سازد از کنار مسائل مرتبطه دیگر عبور کرده است

این آمار ابداً تازگی ندارد و در گذشته که ابعاد تورم هم اندکی کمتر بود یکی از چهره‌های وابسته به جریان موسوم به "عدالتخواه" در ویدیویی آمار مشابه‌ای با ذکر دلایل و جزئیات آن ارائه کرده بود. بنا براین اگر چه انگیزه عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی از اعلام آمار نامعلوم است، آمار تازه هم نیست و روزنامه جهان صنعت هم بعید می‌دانم پیش از این با قضیه برخورد کرده باشد



البته تاثیر تورم روی هزینه‌ها و گسترش فقر قابل انکار نیست. اما طبقاتی شدن آموزش که فقط منحصر به آموزش عالی هم نیست ریشه‌ها و عوامل مهمتر دیگری هم دارد، که نام بردن از آنان برای روزنامه جهان صنعت و جریانی که همواره از خصوصی سازی و لنگ واز همه چیز، از آموزش و درمان گرفته تا همه‌ی منابع طبیعی حمایت کرده و می‌کند، به صلاح آن نبوده است. کلا این نوع نقد فرافکنانه است.

خصوصی سازی و پولی سازی آموزش، همراه با تلاشهای که برای منجمد کردن دستمزدها از طرف محافل وابسته به سرمایه داری ایران که غالب شان هم از خصوصی سازی آموزش و همراه با آن سرکوب مزدی حمایت کرده‌اند، یقیناً و به مراتب نقش عمده تری در طبقاتی شدن از صدر تا ذیل آموزش داشته و دارند و با کاهش تورم نیز ممکن است اندکی تغییر کنند، ولی اساس شان سر جای خود باقی خواهند ماند.

تشکلهای صنفی معلمان به همراه سایر نیروهای دمکراتیک و عدالتخواه سالهاست که نسبت به خصوصی سازی و پولی شدن امر آموزش و طبقاتی شدن آن زنهار باش داده و برای آن بهای سنگینی پرداخته و هم اکنون نیز با اسارت در زندانها دارند این بها را می پردازند.

مسلم است که در مدارس خصوصی با شهریه های کلانی که می گیرند، می توانند نخبه ترین معلمان و آموزش یاران را برای آموزش فرزندان ثروتمندان به استخدام خود در آورند و امکان وکیفیتی را برای دانش آموزان فراهم کنند که در مدارس دولتی محروم شده از بودجه و امکانات کافی آرزوی دست نیافتنی تلقی می شود، بنا بر این جای شگفتی نیست اگر اقلیت کوچکی از فرزندان ثروتمندان که از رفاه و آسایش و امکانات خوب برخوردار بوده‌اند بتوانند دست بالا در آموزش عالی را هم از آن خود کنند.

بر اساس آمار های رسمی، هر ساله صدها هزار دانش آموز که بضاعت و امکان کافی برای تحصیل حتی در مقطع ابتدایی را ندارند و یا قبل از اخذ دیپلم مجبور به ترک تحصیل و راهی بازار کار شده یا به خیل فزاینده کودکان خیابانی می پیوندند و در معرض انواع مخاطرات قرار می. حالا هم دولت بجای فراهم کردن امکان تحصیل کودکان دارد با طرح های نظیر استاد شاگردی به این وضعیت مشروعیت می بخشد و با این طرح عقب مانده به آموزش نیروی کار متخصص آسیب . وارد می کند. سالهاست که این سیاستها در جامعه دنبال می شود محافل سرمایه داری هم از عواقب آن مطلع اند ولی نه تنها اعتراضی و تلاشی برای متوقف کردن آن نمی کنند، بلکه به غیر از مواقع نادری که احساس می کنند تصمیمی گرفته می شود که به منافع خود آنها هم لطمه وارد می کند، از آن حمایت می کنند. جای دور نرویم، نمونه های بسیاری را می توان بر شمرد. نمونه‌های همچون بحث دستمزد، تغییر حداقل های حمایتی، خصوصی سازی آموزش و بهداشت و بسیاری دیگر. اینها درست است که به قول خودشان به ضرر نابرخوردار ها و بقول ما به فقر کشیده شدگان آسیب می رسانند و به تضاد و قطب بندی های و تضاد طبقاتی در جامعه دامن می زنند و بر سود سرمایه داران می افزایند، ولی در دراز مدت بسود خود آنها هم نیست. چون در کشوری با وجود این همه تضاد و شکاف و فقر و تبعیض هیچکس در آسایش و آرامش نمی تواند کار و زندگی کند حتی اگر همه کشور را از پاسدار و آخوند، زندان و دژ پر کنند.

آری برتری در آموزش عالی حکم تثبیت و تضمین سلطه ثروتمندان بر ارکان کشور را هم با خود به همراه دارد

از اعتراضات کارگران، معلمان و بازنشستگان و سایر مزد و حقوق بگیران برای افزایش دستمزد و حقوق و سایر مطالبات سندیکایی حمایت کنیم!

برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران و مزد و حقوق بگیران!

کار کودک: علل و عواقب تداوم فقر بخش دهم
برنامه بین‌المللی برای محو کار کودک
ژان مانیئات



قریب 300 هزار کودک در آمریکای لاتین

هزینه ها و بهره های ریشه کنی کار کودک – ادامه 2.4

یکی از نتایج این مطالعه آن است که میانگین سن کودکان و نوجوانان 5 تا 14 ساله که در برنامه های ریشه کنی کار کودک حضور دارند، در سطح آمریکای لاتین 11 سال است. از این قرار یکی از اهداف این برنامه ها حفظ کودکان در مدرسه به مدت متوسط 4 سال، یعنی تا سن 14 سالگی است. از سوی دیگر، هزینه "فرصت کار کودکان" در کشورهای مختلف متفاوت است. در مطالعه حاضر میانگین این هزینه معادل 33 دلار در ماه در نظر گرفته شده است.

، میانگین نرخ بازده تحصیلی (Psacharopoulos) نکته قابل توجه این است که طبق تحقیقات پساچاروپولوس برای کشورهای در حال توسعه حدوداً 0.11 برآورد شده است؛ یعنی به ازای هر سال تحصیل بیشتر، درآمد نیروی کار 11 درصد افزایش می یابد.

فرض کلی مطالعه حاضر این است که هر فرد به مدت 40 سال در بازار کار حضور دارد (در اصل در سن 15 سالگی) و بابت فروش نیروی کارش مزد دریافت می کند. این فرضی محتاطانه است، زیرا میانگین امید به زندگی در همه کشورهای مورد مطالعه از 60 سال بیشتر است.



حقوق معیاری که برای محاسبات استفاده شده، متوسط حقوق ماهانه افراد شاغل 20 تا 60 ساله فاقد شرایط (یعنی کارگران با کمتر از 3 سال تحصیلات رسمی) است. این حقوق در کشورهای مختلف بسیار متفاوت است. در این مطالعه میانگین 129 دلار در ماه، منظور شده است.

نتایج حاصل مبتنی بر روش "هزینه-فایده" اند. هزینه های منظور شده شامل "هزینه فرصت کار" برای یک خانوار است، که چنان که گفته شد معادل 33 دلار در ماه و به مدت 4 سال است. به این هزینه باید 10 دلار در ماه اضافه شود تا هزینه های مستقیم آموزش (مواد مدرسه، حمل و نقل و غیره) پوشش داده شوند. پس جمعاً 43 دلار در هر ماه در یک دوره 4 ساله. برای محاسبه فایده، انتظار می رود که میانگین سالهای تحصیلی کودکانی که زیر پوشش برنامه های ریشه کنی کار کودک قرار می گیرند، 4 سال افزایش یابد. این به معنای افزایش درآمد ماهانه نیروی کار آینده آنها به میزان 57 ($4 \times 0.11 \times 129$) دلار به مدت 40 سال است. با این فرضها دیده می شود که جمع هزینه سالانه شرکت کودکان در برنامه های ریشه کنی کار کودک معادل 516 دلار و فایده سالانه آن معادل 684 دلار است. اما نکته مهم در این مقایسه این است که هزینه محدود به 4 سال و بنابراین معادل 2064 دلار است، در حالی که فایده یک دوره 40 ساله، معادل 27360 دلار را دربرمی گیرد. کوتاه این که فایده سپردن کودکان به برنامه های ریشه کنی کار کودک (و ریشه کنی فقر)، صرفاً از جنبه اقتصادی، بیش از سیزده برابر هزینه های چنین برنامه ای (یعنی "فایده" سپردن آنان به بازار کار) است.

چنان که دیده می شود، این نسبت بسیار بالا است، که نشان دهنده مزایای مهم [ادامه] تحصیل، چه برای کودک و چه برای خانوار است. از نقطه نظر ریشه کنی فقر کودکان و خانوار، یک حداقل 57 دلاری در ماه، مبلغ قابل توجهی است که به درآمد فرد و خانوار افزوده می شود، و می تواند کمکی نسبتاً مؤثر در برآورد نیازهای ضرور آنان باشد.

تردیدی نیست که برای دستیابی به این نتایج منطقاً باید امکان دسترسی همه کودکان به تحصیل تضمین باشد (پوشش فراگیر)، و کیفیت آموزش به گونه ای باشد که حضور 4 ساله آنان در مدرسه به واقع در سطح تحصیلات و افزایش مؤثر دانش آنان بازتاب یابد.

برای کاهش هزینه های خانوار در طول 4 سال [ادامه] تحصیل کودکان در مدرسه، مناسب است یک برنامه واریز کمک هزینه مشروط به حضور کودک در مدرسه و موفقیت تحصیلی به اجرا درآید. در این صورت، مبلغ کمک هزینه می تواند بین 25 تا 35 دلار در ماه باشد.

روشن است که ریشه کن کردن کار کودکان منافع قابل توجهی را، هم برای کودک و خانوار و هم برای جامعه و کشور به همراه دارد. در حال حاضر، در اکثر کشورها، هزینه های سالانه اجرای برنامه ریشه کنی کار کودک کمتر از 0.5 درصد تولید ناخالص داخلی است. از این قرار چنین برنامه ای کاملاً قابل اجر به نظر می رسد. متأسفانه، هستند کشورهای که سرانه هزینه های عمومی اجتماعی کمتری را نشان می دهند، و هزینه های یک برنامه ریشه کنی کار کودک نسبت بالاتری از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می دهد. شروع چنین برنامه ای در این کشورها به اراده سیاسی مهمی نیاز دارد، اراده ای ناظر بر برپاداشت چنین برنامه ای و بیش از 20 سال تداوم آن.

مبارزه متحدانه برای توقف اعدام ها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!

ما از جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی حمایت می کنیم!

ادامه و تشدید اقدامات چند سویه علیه قانون کار

صادق



به گزارش خبرگزاری ایلنا علی حسین رعیتی فرد(معاون روابط کار و جبران خدمت این وزارتخانه بار دیگر انجام تغییرات مد نظر حکومت و کارفرمایان در قانون کار را مورد تاکید قرار داده و گفته است تغییر بندهایی از قانون کار در دولت در حال بررسی است

تغییر بخش های دیگری از مواد قانون کار در حالی در دستور کار دولت قرار گرفته که همزمان با آن بخش های دیگری از قانون کار نیز در برنامه هفتم دولت که بخش مهمی از قانون کار و بر خلاف حقوق و منافع کارگران و در جهت بسط منافع حکومت و کارفرمایان هستند نیز هم اکنون در قالب برنامه دولت در حال عملیاتی شدن هستند

معاون روابط کار که در سمینار مشترک تعدادی از نمایندگان مجلس فرمایشی و عوامل تشکلهای کارگری وابسته به حکومت و به قصد توجیه و جا انداختن اقدامات ضد کارگری حکومت حضور پیدا کرده بود، ادعا کرد که تغییرات در دست اجرا توازن بین کارگر و کارفرما را بهم نمی زند. اما معاون وزیر کار دولت رئیسی نگفت اگر بحث توازن مد نظر است از نظر دولت کدام مواد قانون کار توازن روابط بین کارگر و کارفرما را بهم زده است که نیاز بر متوازن شدن دارند؟

رعیتی فرد گفت: موادی از اصلاح قانون کار را که توازن بین کارگر و کارفرما برهم نخورد را پیشنهاد دادیم "که امیدواریم این اصلاح ساختار صورت گیرد"

او البته از آنجا که نام بردن از موارد "اصلاحی" مطلوب حکومت باعث بازشدن مچ اش می شود از آنها نام نبرد تا بشود به غرض وی پی برد و فهمید این بار چه خوابی برای کارگران دیده اند. اما هر تغییری که بعد از تصویب قانون کار در سال ۶۹ به این سو در قانون بوجود آورده اند همگی در جهت تعدیل و حذف مواردی بوده اند که جنبه های حمایتی اندکی از حقوق کار در آنها وجود داشته است



مواردی که در برنامه هفتم توسعه در دست تغییر قرار دارند جملگی از این قسم تغییرات هستند. در واقع آنچه در دستور کار دولت و سرمایه داری رانتهی حاکم بر کشور قرار گرفته تهی کردن کامل قانون کار از هر نوع حمایت از نیروی کار و تبدیل آن به یک قانون صد درصد کارفرمایی و ضد کارگری است.

معاون روابط کار در این سمینار حرفهای مفتی هم در حمایت از کارگران زده است که البته فریبکارانه است و گفتن شان هیچ هزینه‌ای برای حکومت ندارد که هیچ بلکه در تضاد با سیاستهای تعدیلی حکومت و رفتار حکومت طی همه ی سالهای گذشته است. او مدعی شد گویا در اصلاحات جدید، دغدغه نداشتن امنیت شغلی کارگر را بر طرف کرده اند. اما تا آنجا که موارد در دست تغییر به بیرون درز پیدا کرده این ادعا فاقد ارزش و اعتبار است. طبق اصلاحیه جدید یک کارگر باید به صورت موقتی به مدت چهار سال و بی بهره از همه ی حقوق قانونی برای کارفرما کار کند تا در پایان چهارسال اگر کارفرما مایل به نگهداری کارگر باشد از حالت موقت خارج شود. هیچ الزامی هم وجود ندارد که کارفرما را مجبور کند از اخراج کارگر قبل از اتمام این مدت خودداری و طبق همین قانون یکی دیگر را به مدت چهارسال دیگر بجای شخص قبلی بکار نگیرد! این در حالی است که در قانون فعلی مدت آزمایشی و موقتی بودن کارگر اگر چه رعایت نمی شود ۶ ماه در نظر گرفته شده است. حالا ۶ ماه را چهار سال کرده‌اند و از بابت آن منتهی هم روی سر کارگر می گذارند بدون اینکه حتی تضمینی برای اجرای قانون وجود داشته باشد. در عوض اما سن بازنشستگی در کارهای عادی و هم کارهای سخت و زیان آور را بالا برده اند، میانگین محاسبه حقوق بازنشستگی را از دو به پنج سال تغییر داده‌اند و با این ترفند حقوق بازنشستگی را کم کرده‌اند، حق سنوات و پایان کار را به مزد خالص و بدون مزایا تقلیل داده‌اند. واگذار کردن تعیین مزد به توافق کارگر و کارفرما و منطقه‌ای کردن آن، توافقی کردن بیمه، حذف سهمیه بیمه دولت، حفظ سیطره شرکتهای پیمانکار و دلال در بازار کار، احیای مناسبات ارتجاعی استاد شاگردی، نصف کردن دستمزد و بیمه در سه سال اول کار، دادن اختیار تام و تمام اخراج کارگر به کارفرما، از جمله مواردی هستند که به زیان کارگران در دستور تغییر قرار دارند. یا اگر دقیقتر گفته باشم تحمیل فقر و گرسنگی مزمن بیشتر بر کارگران و حقوق بگیران و فربه تر کردن سرمایه دارن رانتهی حاکم بر کشور.

این در حالی است که پیش از انجام این تغییرات نیز به گفته خودشان ۵۷ درصد مردم بواسطه نداشتن درآمد و درآمد مکفی دچار سوءتغذیه هستند. مسلم است که در اثر این اقدامات جنایتکارانه شمار کسانی که دچار سوء تغذیه خواهند شد بیشتر خواهد شد و مردم با سلامت و جان خود باید هزینه‌های سنگین و رنج مضاعف ناشی از این فقر تحمیلی و زیاده خواهی های بی حد و حصر حکومت سرمایه دارن رانتهی و غارتگر را بپردازند.

انفعال در مقابل این اقدامات جنایتکارانه موجب تداوم و تشدید فقر و فلاکت عمومی و ویرانی جامعه خواهد شد و جبران خسارات ناشی از آن به آسانی میسر نخواهد شد. از همین رو نه تنها نیروی کار که بیش از سایر گروه های اجتماعی در معرض آسیب قرار دارند، بلکه همه ی جامعه وظیفه دارند بطور جدی متحدانه علیه اقدامات این چینی مبارزه و از ویرانی بیشتر کشور جلوگیری کنند

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!



اعتراضی نمادین و بی حاصل

صادق



شمار زیادی از کارگران غیر رسمی صنعت نفت "ارکان ثالث" در ۱۷ تیر برای اعتراض به وضعیت دشوار شغلی و معیشتی و تبعیضات ناروا علیه خود به تهران آمدند و در مقابل دفتر ریاست جمهوری تجمع نموده و خواهان رسیدگی فوری به مطالبات خود شدند.

این اعتراض جمعی در واقع حکم یک اعتراض سراسر ۹۰ هزار نفره را داشت. هم از این رو بود که مسئولین دولتی مستقر در دفتر رئیسی توانستند با دادن وعده رسیدگی به تجمع خاتمه دهند. متأسفانه معترضین نیز به وعده داده شده دلخوش کردند و بدون اینکه امتیازی بگیرند، وعده نسیه را با وجود خلف وعده‌های این چنینی پیشین، پذیرفتند و به تجمع خود پایان دادند.

این تجمع به دنبال آن صورت گرفت که کار لایحه کذایی رسمی کردن کارگران پیمانی پس از نزدیک به سه سال که از شروع آن گذشت بار دیگر در مجلس در اثر مخالفت عده زیادی از نمایندگان مزدور صاحبان شرکتهای پیمانکاری در مجلس فرمایشی و دولت با بن بست مواجه و بلاتکلیف باقی ماند.

کارگران این شرکتها را طی نزدیک به سه سال با وعده رسمی شدن در وضعیتی قرار داده بودند تا از اعتراض پرهیز کنند و منتظر بمانند تا مجلس با تصویب لایحه‌ای آنها را رسمی نموده و به تبعیض و بی حقوقی تحمیل شده از طرف شرکتها پیمانکاری به آنها پایان دهند.

بعد از شروع اعتصاب سراسری کارگران پیمانی در صنعت نفت و پتروشیمی که در اردیبهشت امسال شروع شد دوباره برای جلوگیری از پیوستن شمار بیشتری از کارگران به اعتصاب بحث قریب الوقوع بودن تصویب لایحه توسط عوامل رنگ و وارنگ شرکتها پیمانکاری و حکومت شروع شد و با ادامه اعتصاب هر روز خبرهای جعلی در مورد قطعی شدن تصویب لایحه بیشتر شد، اما به محض فروکش کردن اعتصاب، دوباره مزمنه مخالفت دولت با تصویب لایحه و اظهار تاسف‌ها توسط همان عوامل شروع شد و به دروغ شایعه شد که گویا مجلس طرفدار تصویب است، اما دولت اجازه آنرا نمی‌دهد و زبانه‌ها شد تا بهانه برای



احتمالات بعدی وجود داشته باشند. موافقت مجلس یک دروغ بزرگ است که به قصد دل مشغولی ساده دلان شایع می شود. در واقع امر به غیر از چند نماینده انگشتر شمار که بواسطه نزدیکی انتصابات اسفند ماه و به امید گرفتن رای در ظاهر از تصویب لایحه دفاع می کنند، اکثر نمایندگان مجلس طرف صاحبان شرکت‌های پیمانکاری را گرفته و از موانع اصلی تصویب طرح هستند.

برای اینکه بهتر متوجه شد چه سود هنگفتی شرکت‌های پیمانکاری از بابت جلوگیری از تصویب این لایحه به جیب می زنند، کافی است به گفته یکی از کارگران که خبرگزاری ایلنا بعد از تجمع مقابل دفتر رئیسی از وی در مورد خواسته ها و علل و سبب اعتراض شان پرس و جو کرده بشنویم: "او به چند مصداق عینی تبعیض اشاره می کند: ما پیمانکاری‌ها از یکسری امتیازات رسمی‌ها مثل «نفت کارت»، مزایای موردی و خدمات رفاهی مثل باشگاه‌های مختلف و فضاها محرومیم؛ حتی در سفرها نمی‌توانیم از مهمانسراهای وزارت نفت استفاده کنیم؛ البته حقوق‌مان هم نصف رسمی‌هاست. این تبعیض‌ها بیش از هر چیز دیگر ارکان ثالثی‌ها را آزار می‌دهد و آن‌ها را بی‌انگیزه کرده است.

همین «بی‌انگیزگی» عاملی‌ست برای مهاجرت کارگران فنی و متخصص نفت، اگر یک نیروی متخصص که اینجا پیمانکاری‌ست و ماهی ده یا پانزده میلیون تومان حقوق می‌گیرد بتواند برای کار به یکی از کشورهای عربی منطقه مثل قطر یا کویت مهاجرت کند و روی سکوهای نفتی آنجاها مشغول شود، حقوقی که "ماهان می‌گیرد، از ده برابر حقوق او در آبادان و عسلویه و خارک بیشتر است.

همه ی امتیازاتی را که صرفا بواسطه رسمی نکردن کارگران از آنها دریغ می شود، اگر رها کنیم و فقط نصف بودن دستمزد غیر رسمی‌ها که همان کارهای رسمی‌ها را انجام می دهند، معیار بگیریم به قدر کافی توضیح دهنده علت مخالفت کارفرمایان، دولت و مجلس با رسمی کردن کارگران پیمانی است!

مسئله اینها از این سود نجومی باد آورده که بدون زحمت و صرفا بواسطه دلالتی نیروی انسانی نصیب خود می کنند بدون مبارزه متشکل و مشارکت اکثر کارگران پیمانی، یعنی همان رویه‌ای که شورای سازماندهی سعی کرده است به کار ببندد، تن به پذیرش خواسته های طبیعی و به حق کارگران نخواهند داد. شکست دگر باره پیگیری مطالبات از بالا نشان داد که این روش تنها در صورتی می تواند به موفقیت منجر شود که در پشت هر حرکت این چنینی نیروی سازمانیافته آماده عمل وجود داشته باشد. هم از این رو تجمع کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) مقابل دفتر همان کسی که وعده برچیدن شرکت‌های پیمانکاری و رفع تبعیضات میان کارگران رسمی و غیر رسمی را داده بود، اما حالا خود حامی حفظ نظم موجود شده است، بر خلاف اعتصاب اردیبهشت کارگران پیمانکاری‌ها، این حرکت نمادین فاقد هر نوع دست آوردی است. اصولا زمانی که بی حقوق سازی نیروی کار در راس برنامه های رژیم قرار دارد، دل خوش داشتن به وعده عملی کردن مطالبات از کانالهای قانونی اگر از سر همدستی با حکومت نباشد که بخشا هست، نهایت خود فریبی است. چگونه می شود شاهد از میان برداشتن بخش های حمایتی قانون کار توسط نهادهای قدرت بود و در همان حال، از همان نهاد ها انتظار تصویب قوانین حمایتی تازه را داشت؟ بهمین جهت اعتراض کارگران ارکان ثالث به کیفیت و هدفی که برگزار شد، نمادین و بی حاصل بود!

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

نابود باد استبداد و بی عدالتی!

کار، رفاه، آزادی، کرامت انسانی!



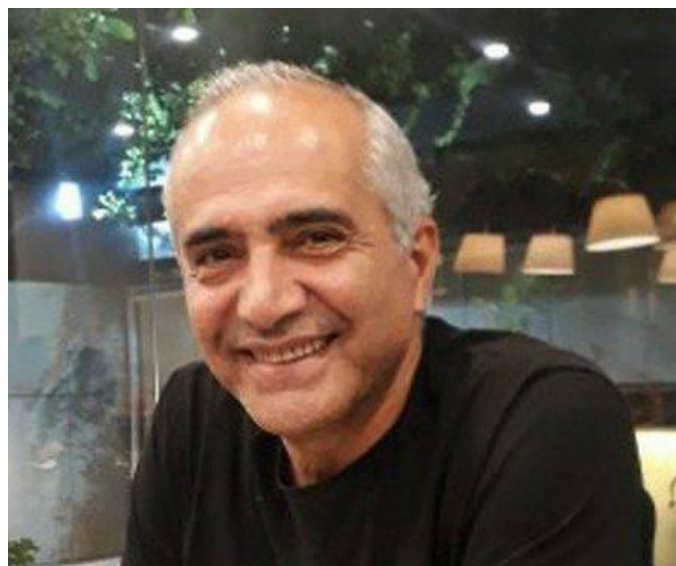
قدردانی از همبستگی و همراهی اتحادیه و سندیکاهای کارگری جهانی از مبارزات کارگران در ایران ۱۹ کمیته برگزار کننده آکسیون اعتراضی ۹ ژوئن در ژنو در مقابل سازمان جهانی کار از همبستگی اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری در حمایت از مبارزات کارگران ایران و نیز در همراهی با آکسیون اعتراضی برای مخالفت با شرکت نمایندگان وعوامل جمهوری اسلامی در اجلاس سازمان جهانی کار قدردانی میکند



ادامه اعتراضات بدون وقفه گروه های بازنشستگی مختلف به وضعیت بد معیشتی و درمانی با خواست افزایش مستمری و حقوق های بازنشستگی، درمان رایگان و اجرای کامل قانون همسان سازی حقوق ها در شهرهای مختلف. بازنشستگان کشوری نیز، اخیرا به اعتراضات، بازنشستگان تامین اجتماعی، مخابرات و فولاد پیوستند. به رغم گسترش اعتراضات اما دولت و مجلس در حال افزایش سن بازنشستگی، کاهش مستمری ها و حقوق بازنشستگان و تغییر قوانین تامین اجتماعی و خصوصی سازی بخش های از تامین اجتماعی هستند. تنها وسیله موجود برای متوقف کردن تغییرات ضد کارگری در قوانین بازنشستگی گسترش اعتراضات سازمان یافته جمعی است.



ادامه و استقبال از کارزار جمع آوری ۱۰۰ هزار امضا با خواست آزادی معلمان زندانی و پیوستن تشکلهای صنفی معلمان و حمایت گروه های اجتماعی وسیعی از این کارزار که توسط تشکلهای صنفی معلمان تدارک شده است.



وخیم شدن وضعیت چشم و بینایی داود رضوی کارگر زندانی بازداشت طولانی داود رضوی و به سر بردن شبانه روزی در سلول با چراغ روشن، استفاده پی در پی از «چشم بند هنگام بازجویی که ماه ها به طول انجامید باعث شده تا آسیب های جدی به چشمان ایشان وارد شود و هر دو چشم او از لحاظ بینایی ضعیف گشته است»
داود رضوی فعال کارگری و عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه روز سه شنبه ۲۰ تیرماه توسط مسئولین زندان جهت معاینه به چشم پزشکی بیمارستان فارابی اعزام شد. چشم پزشک پس از معاینه و تجویز دارو متذکر شد که وضعیت چشمان رضوی خوب نیست...



دادگاه ریحانه
انصاری نژاد در
۲۶ تیر برگزار
خواهد شد.

نه به
سناریوسازی

برگزاری دادگاه ریحانه انصاری نژاد در ۲۶ تیر ماه
ریحانه انصاری نژاد کارگر بازنشسته و فعال کارگری برای برگزاری دادگاه به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به
ریاست قاضی صلواتی احضار شد. طی تماس تلفنی با نامبرده زمان برگزاری دادگاه ۲۶ تیرماه ۱۴۰۲ اعلام
گردیده است.

اتهام ریحانه انصاری نژاد اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور از طریق ارتباط با کارگران،
معلمان و دانشجویان اعلام گردیده است.

ریحانه انصاری نژاد، کارگر بازنشسته، مدافع کارگران و زحمتکشانش است. ریحانه انصاری نژاد هیچ جرمی
مرتکب نشده است. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه احضار، تهدید و دادگاهی کردن ریحانه انصاری نژاد
را شدیداً محکوم می کند و خواستار پایان دادن به این اتهامات واهی می باشد
سندیکای کارگران نیشکر هفت
تیر ماه ۱۴۰۲ ۲۴

از مبارزه کارگران برای انحلال شرکتهای پیمانکاری و واسطه ای و علیه قراردادهای موقت
تحمیلی حمایت می کنیم!

کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید
در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>